فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال دوم. شماره دوازدهم. تابستان ۱۳۹۸، صص۶۳-۵۳ Vol 2. No 12. 2019, p 53-63
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

نئولیبرالیسم و توسعه در ایران

امیر نبی زاده[۱]. دکتر کامبیز حمیدی[۲]

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

Nabizade_iran@yahoo.com

۲. استادیار، گروه مدیریت، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

hamidi.ka@gmail.com

چکیده

نئولیبرالیسم به طور اخص الگوی توسعه و در معنای عام‌تر جهانی شدن برای همه‌ی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، فرآیند و رویه‌ای سیاسی اقتصادی که از سوی بیشتر کشورهای پیشرفته و نهادهای فراملی و بین‌المللی برای جوامع در حال توسعه پیشنهاد و گسترش می‌یابد. بنابراین با توجه به برنامه‌های توسعه ی اقتصادی و افق‌های ترسیمی دو دهه‌ی کنونی، پرسش این پژوهش این است که برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی در ایران برنامه‌ای بومی بوده است یا از الگویی جهانی پیروی نموده است؟ این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی به مقایسه‌ی سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌ای نئولیبرالیسم -گفتمان مسلط بر اقتصاد سیاسی بیشتر کشورهای جهان- با سیاست های اقتصادی و توسعه‌ای دو دهه‌ی اخیر در ایران، نشان می‌دهد که توسعه‌ی اقتصادی در ایران کماکان از الگوی جهانی نئولیبرالیسم پیروی می کند.

واژه‌های کلیدی: نئولیبرالیسم، توسعه، جهانی شدن، اقتصاد، ایران

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

مقدمه

واژه‌ی نئولیبرالیسم اغلب برای توصیف مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی به کار می‌رود که در اوایل دهه ی ۱۹۸۰ م مطرح شد. در واقع این سیاست‌ها نسخه‌ی جدیدی از سیاست اقتصادی آزاد بود که در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بر اندیشه‌های اقتصادی سایه افکنده بود. نئولیبرال‌ها بر این باورند که تعرفه، سهمیه‌بندی، یارانه و دیگر اشکال مداخله‌ی دولت در اقتصاد به عنوان موانعی در برابر رشد اقتصادی تلقی می‌شوند. در حالی که نئولیبرالیسم را به طور کلی مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی توصیف می‌کنند، جغرافی‌دانان بر این باورند که بهتر است آن را یک ایدئولوژی تلقی کرد. به بیانی نئولیبرالیسم نوعی جهان‌بینی درباره‌ی سازماندهی جامعه در سطح کلان است (نامی و محمدپور، ۱۳۹۰، ۱۶۶). از اواخر دهه‌ی هفتاد خورشیدی تاکنون، عزم راسخی در میان دولتمردان ایران مبنی بر ایجاد تحولی بنیادین در راستای توسعه‌ی اقتصادی شکل گرفته است؛ آغاز این سوگیری و تأکید را می‌توان به طور ملموس در اسنادی تحت عنوان سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌ی پنج ساله‌ی سوم توسعه مشاهده نمود. در این رهگذر، به ویژه تغییراتی بنیادین و ملموس در حوزه‌ی نظام‌های حقوقی و اقتصادی رخ نمایی می‌کند: مقررات‌زدایی، هدفمندی یارانه ها، خصوص سازی، آزادسازی تجاری و غیره (جوشن لوی و خانیها، ۱۳۹۱، ۲). با توجه به مباحث مطرح شده، پرسش پژوهش حاضر این است که الگو و جهان‌بینی حاکم بر توسعه ی اقتصادی در ایران، به طور خودخواسته یا ناخواسته برنامه‌ای همسو با سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ای بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است که امروزه در دنیا، بیشتر تحت عنوان «اجماع واشنگتن» و «برنامه‌ی تعدیل ساختاری» شناخته می‌شود و گفتمان دانشگاهی هم که از این دستور کارها پشتیبانی می‌کند، مکتبی اقتصادی- سیاسی است با نام «نئولیبرالیسم» که امروزه گفتمان غالب در اقتصاد سیاسی و حکمرانی دنیا محسوب می‌شود (جوشن لوی و خانیها، ۱۳۹۱، ۲).

روش پژوهش

مطالعه‌ی این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن که مقایسه‌ی گفتمان اقتصادی نئولیبرالیسم و سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، به روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر استدلال است. با توجه به ماهیّت موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده‌ها، اطلاعات و اسناد به روش کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

نئولیبرالیسم

۱. معرفی کلی

گفتمان اقتصادی سیاسی نئولیبرالیسم که ریشه در اندیشه‌های مکاتب اقتصادی نئوکلاسیک، اردولیبرالیسم، اتریش و شیکاگو دارد، در حال حاضر رایج‌ترین رویکرد نظام اقتصاد سرمایه‌داری است که تسلطی

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

انکارناپذیر بر نظر و عمل دولت های زیادی در جهان را دارد. به تعبیری، نئولیبرالیسم الگوی جهانی شدن برای همه‌ی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود و مبنای سیاست‌های اقتصادی است که از سوی بسیاری از کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی همچون "سازمان تجارت جهانی"، "بانک جهانی" و "صندوق بین‌المللی پول" توصیه و ترویج می‌شود. این مکتب کنترل عوامل اقتصادی را از بخش عمومی به خصوصی سوق می‌دهد. نئولیبرالیسم، با توجه به اصول اقتصاد نئوکلاسیک، به دولت‌ها پیشنهاد می‌کند که به آزادسازی تجاری، کاهش هزینه‌های عمومی و محدود کردن یارانه‌ها، اصلاحات مالیاتی، گشایش بازارهای داخلی به بازرگانی خارجی با حداقل سازی محدودیّت ها (آزادسازی تجاری)، خصوصی‌سازی، تأمین امنیت مالکیّت خصوصی و مقررات زدایی بپردازند.

هاروی در کتاب مشهور خود، "تاریخ مختصر نئولیبرالیسم"، نئولیبرالیسم را این گونه معرفی می کند: «نئولیبرالیسم در وهله‌ی نخست نظریه ای درباره ی شیوه هایی در اقتصاد سیاسی است که بر اساس آنها با گشودن راه برای تحقق آزادی‌های کارآفرینانه و مهارت‌های فردی در چهارچوبی نهادی که ویژگی آن حقوق مالکیّت خصوصی قدرتمند، بازارهای آزاد و تجارت آزاد است، می توان رفاه و بهروزی انسان را افزایش داد. از نظر نئولیبرالیسم، نقش دولت، ایجاد و حفظ یک چهارچوب نهادی مناسب برای عملکرد این شیوه است. به عنوان نمونه دولت باید کیفیّت و انسجام پول را تضمین نماید. همچنین دولت باید ساختارها و کارکردهای نظامی، دفاعی و قانونی لازم را برای تأمین حقوق مالکیّت خصوصی را ایجاد و در صورت لزوم عملکرد درست بازارها را با توسل به سلطه تضمین نماید و اگر بازارهایی هم در حوزه‌هایی همانند زمین، آب، آموزش، بهداشت. . . وجود نداشته باشد، اگر لازم باشد باید آنها را ایجاد کند ولی نباید بیش از این در امور مداخله نماید» (هاروی، ۱۳۸۶، ۹-۸).

۲. راهبردهای اقتصادی نئولیبرالیسم

نئولیبرالیسم در واقع بازگشتی دوباره به اصول لیبرالیسم کلاسیک است. در حدود اواخر قرن ۱۹ م تا اواخر دهه‌ی ۷۰ م نظریاتی در اقتصاد سیاسی ظهور می‌کند که از تندروترین (کمونیسم) تا متعادل‌ترین آنها (دولت رفاه کینزی)، نسبت به دکترین لیبرالیسم کلاسیک، جملگی بر مداخله‌ی بیشتر دولت در اقتصاد تأکید می نمودند. اما ظهور بحران اقتصادی در دهه ی ۷۰ م نقطه‌ی پایانی بر این رویکرد بود و زمینه را برای ظهور اقتصاددانان سیاسی جدید با رویکرد بازگشت به لیبرالیسم کلاسیک فراهم نمود که بعدها این دسته از اندیشمندان اقتصادی را نئولیبرال نام گرفتند. از منظر نئولیبرال‌ها باید دخالت دولت در اقتصاد به حداقل برسد. باید به دست پنهان نظم دهنده به بازار اعتماد کرد. تصدی‌ها و هزینه‌های رفاهی دولت باید کاسته و به بخش خصوصی سپرده گردد. به طور کلی سیاست‌های پیشنهادی از سوی برجستگان مکتب نئولیبرالیسم، برای برونرفت از بحران اقتصادی دهه ی ۱۹۷۰ م که برخاسته از نظریات کینز قلمداد می‌شد عبارت بودند از مقررات‌زدایی، آزادسازی تجاری و خصوصی سازی.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

مقررات زدایی:[1] یعنی حذف مقررات دولتی به ویژه در زمینه‌ی قیمت‌گذاری و عملیات نهادهای عمومی با هدف کاهش قیمت‌ها از طریق رقابت و تشویق رشد واحدهای کوچکتر (Rutherford, 2002, 159). مقررات‌زدایی بازار و ایجاد زمینه‌ی رقابت از سیاست‌های محوری نئولیبرال هاست.

آزادسازی تجاری:[2] اصل دیگر نئولیبرالیسم، آزادسازی تجاری است که از طریق کاهش یا محو موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و آزاد گذاشتن نرخ ارز انجام می‌گیرد. امروز این اتفاق نظر وجود دارد که تجارت آزاد تا وقتی که به بی‌نظمی ساختاری کوتاه‌مدت و جدی نینجامد، یک کالای عمومی دراز مدتی است که با ایجاد یک دور مقبول رشد و توسعه‌ی اقتصادی به کشورهای فقیر و ثروتمند فایده می‌رساند. امروز حتی اعتراض کنندگان ضد جهانی شدن به جای پافشاری بر اعمال سیاست های حمایتی بیشتر، ضرورت کاهش موانع تجاری را درباره ی محصولاتی که کشورهای فقیر در تولید آن ها از مزیت نسبی برخوردارند، پذیرفته اند (عبدالله زاده، ۱۳۸۶، ۱۰۰). نئولیبرال‌ها از اساس تجارت بین‌الملل را امری مثبت قلمداد کرده و آن را برای همه‌ی کشورها توصیه می‌کنند. زیربنای نظری این گرایش نیز همان نظریه‌ی سنتی "مزیت نسبی[3]" ریکاردو در عرصه‌ی تجارت خارجی است (ابراهیمی نژاد، ۱۳۸۹، ۲۲). بر این پایه یکی از سیاست‌های پیشنهادی نئولیبرال‌ها جهت‌گیری تجاری و افزایش صادرات و حضور در بازار جهانی است (یوسفی، ۱۳۸۸، ۱۵۵).

خصوصی‌سازی:[4] یعنی فروش اموال عمومی به ویژه سرمایه‌ی صنعتی به سرمایه‌گذاران خصوصی (Rutherford, Ibid, 468). این اصل نیز با انتقال مدیریّت یا مالکیّت آنها از سیاست‌های محوری نئولیبرالیسم است. از دید نئولیبرال‌ها خصوصی‌سازی و مقررات زدایی همراه با رقابت، کاغذ بازی اداری را حذف می‌کند، کارایی و بهره‌وری را افزایش می‌دهد، کیفیّت را بهتر می‌کند و هزینه‌ها را برای مصرف‌کننده کم می‌کند (هاروی، همان، ۹۵).

۳. سیاست‌های توسعه‌ای نئولیبرالیسم

سیاست‌های توسعه‌ای ده‌گانه‌ی نئولیبرالیسم به قرار زیرند (Manfred and Ravi, 2010, 19-20).

۱. انضباط مالی

۲. اولویت‌بندی هزینه‌ای عمومی

۳. اصلاحات مالیاتی

۴. آزادسازی نرخ بهره

۵. نرخ ارز رقابتی

1- Deregulation
2- Trade liberalization
3- Comparative Advantage
4- Privatization

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

۶. آزادسازی تجاری
۷. آزادسازی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی
۸. خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی
۹. مقررات زدایی
۱۰. حمایت از حقوق مالکانه

این سیاست‌های ده‌گانه به اجماع واشنگتن معروف‌اند. اجماع واشنگتن بیشتر معادل نئولیبرالیسم به کار می‌رود و به طور کلی به توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سایر نهادهای اقتصادی بین‌المللی واقع در واشنگتن به کشورهای آمریکای لاتین برای توسعه‌ی اقتصادی اطلاق می‌شود.

٤. ارزیابی نئولیبرالیسم

توسل به نظریه‌ی نئولیبرالیسم توانست جهان را از رکود تورمی دهه‌ی ۷۰ م نجات دهد و رونقی نسبی را به آن بازگرداند. نئولیبرالیسم با جرح و تعدیل‌های ملی در بیشتر کشورهای جهان مورد استقبال قرار گرفت و تاکنون نیز گفتمان غالب است (یوسفی، همان، ۷۶). همچنین کاهش و مهار تورم، موفقیّت بزرگی است که حتی منتقدان سر سخت نئولیبرالیسم به آن اذعان دارند (هاروی، همان، ۲۱۸). به این وجود نئولیبرالیسم نتایج منفی هم داشته است؛ از دید هاروی نئولیبرالیسم موجب کالایی سازی و خصوصی‌سازی زمین و اخراج اجباری روستائیان، پنهان‌سازی حقوق مردم، کالایی شدن نیروی کار، فرآیندهای استعماری و امپریالیستی، مصادره‌ی دارایی‌ها، تجارت برده، رباخواری، افزایش بدهی ملی، کاهش یا حذف انواع مختلف حقوق مالکیّت عمومی نظیر بازنشستگی دولتی، مرخصی با حقوق و دسترسی به آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی، لطمات گسترده به محیط زیست و. . . شده است (همان، ۲۲۳-۲۲۲). از چشم‌انداز دیگر اجرای سیاست‌های توسعه‌ای نئولیبرالیسم در بسیاری از کشورهای درحال توسعه به صورت نادرست، تکان‌دهنده و بدون توجه به تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و نهادی کشورهای مختلف، عواقب نه چندان خوشایندی را به بار آورده است. آمارها نشان می‌دهد که حداقل یکی از دو کشوری که سیاست‌های تعدیل را اتخاذ کرده است، دچار بحران‌های مالی شدید شده است. مشهورترین این بحران‌ها در کشورهای شرق آسیا (۱۹۹۷)، آرژانتین (۱۹۸۱ و ۱۹۸۵)، اروگوئه (۱۹۸۲)، شیلی (۱۹۸۴)، مکزیک (۱۹۹۴)، جمهوری چک (۱۹۹۷) و فنلاند، نروژ و سوئد (۱۹۹۱ و ۱۹۹۲) بوده است و هزینه‌ای هنگفت را بر اقتصاد این کشورها تحمیا نموده است. تا سال ۱۹۹۷ م تنها بخشی از جهان از این بحران ها در امان ماندند و آن هم کشورهای شرق و جنوب‌شرق‌آسیا بودند (یوسفی، ۱۳۸۵، ۱۵۵). علت شکست این سیاست‌ها در کشورهای در حال توسعه فقدان ساختارهای اقتصادی، حقوق، قضایی و دیگر نهادهای لازم برای توسعه‌ی اقتصادی با الگوی نئولیبرالیسم در این کشورها بوده است.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

سیاست‌های کلی اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران

۱. سازوکار سیاست‌گذاری کلان اقتصادی در ایران

به دلیل این که ما کشوری در حال توسعه هستیم و به دلیل ساختار خاص حقوق اساسی، ضرورت انجام اصلاحات پیشرفته و بنیانی در پهنه ی اقتصاد، بیشتر سیاست‌های کلان از آغاز از مسیرهایی مجزا از دولت و مجلس طرح‌ریزی، تدوین و ابلاغ می‌شود و سپس دولت و مجلس با بسط و تفصیل، بستر اجرای آنها را اجرا می‌کنند. در دو دهه‌ی اخیر، سیاست‌گذاری توسعه‌ای در نظام حقوقی ما آمیخته با مفهومی در حوزه‌ی حقوق اساسی به نام «سیاست های کلی نظام» شده است که خاستگاه این مفهوم متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به بند نخست اصل ۱۱۰ قانون اساسی، حق و تکلیف تعیین سیاست‌های کلی نظام با رهبری است که ایشان این کار را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام می‌دهد. در بند دوم این اصل نیز نظارت بر اجرای صحیح سیاست‌های کلی نظام را از وظائف رهبری دانسته است. بنابراین در دو دهه‌ی کنونی سیاست‌گذاری کلان بیشتر از مجرای سیاست‌های کلی نظام انجام گرفته است. این سیاست‌ها از نقشی محوری و اساسی برخوردارند، به ویژه که جایگاه حقوقی برتری داشته و در عمل دولت و مجلس مقید به اجرای بند بند آن هستند. سیاست‌های کلی نظام فراوان اند اما آن هایی که ارتباط ژرفی با حوزه‌ی اقتصاد دارند عبارتند از:

۱-۱. سند چشم‌انداز بیست ساله

این سند که در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۱۳ تصویب شده یکی از اسناد اساسی در سیاست‌گذاری کلان جمهوری اسلامی ایران است که در واقع رویکرد کلی چهار برنامه‌ی پنج ساله‌ی توسعه ی آینده را تشریح می‌کند (توکلی، ۱۳۹۰، ۱۱۹۶). بدیهی است که سند چشم‌انداز فقط متنی اقتصادی نیست و دربردارنده‌ی همه‌ی آرمان های کلان کشور است که بخش هایی از آن دارای اهداف اقتصادی است. در این سند «فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه» به عنوان آرمان کلی اقتصادی نظام، مورد تأکید قرار گرفته است.

۱-۲. سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی

ایده‌ی محوری این اصل، خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی و واگذاری آن به بخش غیردولتی است. علت تشکیل سند مذکور را باید از یک سو آگاهی ارکان بالادستی نظام نسبت به ضرورت ایجاد تحولات عمیق اقتصادی و از سوی دیگر بسته بودن راه تحقق این مهم از طریق مجاری معمولی پیش‌بینی شده در قانون اساسی در مدّت زمانی معقول دانست. اهداف این اصل به قرار زیرند:

ـ شتاب بخشی به رشد اقتصاد ملی؛

ـ گسترش مالکیّت در سطح عموم مردم برای تأمین عدلت اجتماعی؛

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

ـ ارتقاء کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فنّاوری؛
ـ افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد تکمیلی؛
ـ افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی؛
ـ کاهش بار مالی و مدیریّتی دولت در تصدی فعالیّت‌های اقتصادی؛
ـ افزایش سطح عمومی اشتغال؛
ـ تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها.

۲. سازوکار اجرایی شدن سیاست‌های کلی نظام

در جمهوری اسلامی ایران پس از تدوین، تصویب و ابلاغ سیاست های کلان، دولت و مجلس باید با همکاری یکدیگر بر مبنای آن به ارائه‌ی طرح‌ها و لوایح بپردازند و جزئیات آن را در متون قانونی مشخص نمایند. از جمله قوانینی که در راستای اجرای سیاست‌های کلی نظام تصویب می‌شوند قوانین پنج ساله‌ی توسعه هستند. از آن جایی که ایران کشوری در حال توسعه است و از همه‌ی جهات و جوانب در جستجوی توسعه است، طبیعی است که نیازمند برنامه‌ای طولانی مدّت جهت برداشتن گام‌های توسعه باشد. با پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۸ نخستین برنامه‌ی پنج ساله‌ی توسعه به تصویب رسید و تاکنون پنج قانون پنج ساله‌ی توسعه در ایران به تصویب رسیده است. این قوانین عبارت اند از:

ـ قانون برنامه‌ی اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)
ـ قانون برنامه‌ی دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۲)
ـ قانون برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
ـ قانون برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۹-۱۳۸۴)
ـ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه (۱۳۹۵-۱۳۹۰)

قوانین برنامه‌ی پنج ساله‌ی توسعه، در واقع تبلور و بازتاب سیاست های کلی نظام هستند و بخش گسترده‌ی کار دولت و مجلس در فرآیند تصویب آنها بسط و تفصیل و زمینه‌سازی برای اجرای سیاست‌های کلی ابلاغ شده است.

۳. سیاست‌های اقتصادی برجسته‌ی ایران

با بررسی اسناد موجود درباره‌ی مباحث اقتصادی دو دهه‌ی کنونی می‌توانیم محورهای زیر را به عنوان برجسته‌ترین مؤلفه‌های تحول اقتصادی و رویکرد توسعه‌ای اخیر در ایران، استخراج کرد:

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

۱-۳. خصوصی‌سازی

تغییر رویکرد از اقتصاد بزرگ دولتی به خصوصی‌سازی سابقه ای طولانی در نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. شاید هیچ اصلی تا این حدّ مورد تأکید و تکرار نشده باشد. نخستین بار در بند ۸ سیاست‌های کلی برنامه‌ی دوم توسعه‌ی ابلاغی مورخ ۱۳۷۲/۷/۱۸ این رویکرد تحت عنوان «مشارکت عامه‌ی مردم در سازندگی کشور» و با تأکید بر «واگذاری مؤسسات اقتصادی به مردم» مورد اشاره قرار گرفت. به موجب سطر ۱ بند «الف» این سند دولت حقّ فعالیّت اقتصادی جدید خارج از موارد اصل ۴۴ را ندارد و موظف است هر گونه فعالیّت را که مشمول عناوین اصل ۴۴ نباشد، حداکثر تا پایان برنامه‌ی پنج ساله‌ی چهارم به بخش‌های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی واگذار نماید. این اصل دولت را از تصدی در هر حوزه‌ی اقتصادی خارج از اصل ۴۴ قانون اساسی منع می کند.

۲-۳. مقررات‌زدایی و رقابت‌پذیری

مقررات‌زدایی از دیگر سیاست‌های مورد تأکید در اسناد مربوط به سیاست‌های کلی نظام و برنامه‌های توسعه است که سیاستی همسو و همراه با خصوصی‌سازی است. این سیاست شامل آزادسازی قیمت‌ها، منع رویه‌های ضد رقابتی، حذف مقررات دست و پا گیر و آزادسازی نرخ بهره است. رقابت‌پذیری در بند ۴۶ سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۳. آزادسازی تجاری

این مورد نیازمند گشودن درهای اقتصاد ملی به روی اقتصاد جهانی است و متضمن کاهش یا محو موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای و آزاد گذاشتن نرخ ارز، اهمیّت‌یابی صادرات و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است. جذب سرمایه‌گذاری خارجی با اولویت سرمایه‌گذاری مستقیم از دیگر راهبردهای آزادسازی اقتصاد است. این راهبرد شناخته شده در کشورهای درحال توسعه است. با وجود این سوگیری کلان در رویکرد توسعه‌ای دو دهه‌ی کنونی نظام جمهوری اسلامی کاملا مشهود و برجسته است. در حوزه‌ی سرمایه‌گذاری خارجی ایران پنج دوره را تاکنون پشت سر گذاشته است که دوره‌ی آغازین آن در سال ۱۳۳۴ و بیشتر در قالب قراردادهای استعماری بود (روئیتر، دارسی و شیلات شمال) و پنجمین دوره ی آن ۱۳۸۱ به بعد است، در این دوران پس از فراز و نشیب بسیار، سرانجام در سال ۱۳۸۱ «قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی» به تصویب رسید و راه برای سرمایه‌گذاری خارجی هموار شد (شهبازی، ۱۳۸۵، ۳۴). گام بعدی در جهت آزادی‌سازی تجاری تلاش برای الحاق به سازمان تجارت جهانی است. ایران عضویّت در سازمان تجارت جهانی را در برنامه‌ای راهبردی خود منظور کرده و از سال ۱۳۷۵ در خواست عضویّت خود را به دبیرخانه این سازمان ارائه نموده است که در آن سال‌ها، عضویّت ایران در سازمان حداقل با مخالفت یکی از اعضا (آمریکا) مواجه بوده است اما سرانجام در نشست شورا در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) برای بیست و سومین

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

بار درخواست الحاق ایران را که ۹ سال پیش به این سازمان ارائه شده بود، مورد بررسی قرار گرفت و با موافقت همه‌ی اعضا، درخواست ایران مورد پذیرش قرار گرفت و ایران از آن پس عضو کامل این سازمان شد (ابراهیمی نژاد، همان، ۳۵۰).

٤. کاهش هزینه‌های عمومی و افزایش درآمدهای دولت

کاهش هزینه‌های عمومی و رفاهی دولت و افزایش مالیات‌ها، دو سیاست کلان اقتصادی‌اند که در ادبیّات توسعه و اقتصاد سیاسی جزء سیاست های انقباضی مالی محسوب می‌شوند. ماده ی ۳۳ برنامه‌ی چهارم بند «ب» دولت را نسبت به هدفمندسازی و ساماندهی یارانه ها و جوایز صادراتی در قالب حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم مکلف نموده است اما دولت اصلاحات به هر دلیلی به اقدام بنیانی در این راستا مبادرت نورزید. تا این که بند ۱-۳۴ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم توسعه را از سیاست‌های کلی و مؤکد قرارداد. بند ۸ سیاست‌های کلی اشتغال ۱۳۹۰/۰۴/۲۸ نیز توجه بیشتر در پرداخت یارانه‌ها به حمایت از سرمایه‌گذاری، تولید و اشتغال مولد در بخش‌های خصوصی و تعاونی را توصیه می‌کند. دولت‌های پیشین تلاش زیادی برای اجرایی کردن هدفمندی یارانه ها کرده بودند اما این سیاست هرگز اجرا نشد، تا این که دولت دهم به ارائه‌ی لایحه‌ی مهم «هدفمندسازی یارانه‌ها» اقدام نمود و در تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ به تصویب نهایی مجلس‌شورای اسلامی رسید. به موجی این اقدامات قانون سیاست آزادسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای در دستور کار دولت قرار گرفته و دولت مکلف شد ظرف مدّت پنج‌سال برنامه‌ی پنجم توسعه را به صورت تدریجی به انجام برساند.

نتیجه‌گیری

با توجه به بیان اصول، مبانی و سیاست‌های توسعه‌ای نئولیبرالیسم و از سوی دیگر سیاست‌های کلان توسعه‌ای به کار گرفته در این چند دهه توسط جمهوری اسلامی ایران که مختصروار شرح داده شد، می‌توان به پرسش پژوهش حاضر پاسخ داد (آیا رویکرد توسعه ای نظام جمهوری اسلامی ایران رویکردی همسو با الگوی توسعه‌ی نئولیبرالیسم است؟) از اصول نئولیبرالیسم، آزادسازی تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی است که در این راستا سیاست‌های کلی و سایر متون قانونی در ایران جهش و سوگیری صادراتی، گسترش سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر سرمایه‌گذاری مستقیم و همچنین تلاش برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی را در پیش گرفته است. خصوصی‌سازی که از اصول اساسی نئولیبرالیسم است، تردیدی نیست که سیاست محوری توسعه ای در ایران نیز می‌باشد. خصوصی‌سازی هم در سیاست‌های کلی نظام و هم در سایر قوانین آن چنان مورد تأکید قرار گرفته است که می‌توانیم آن را اصل محوری توسعه‌ی اقتصادی در ایران به حساب آوریم. مقررات زدیی و ایجاد فضای رقابتی نیز در نظام جمهوری اسلامی با آزادسازی قیمت‌ها، حذف مقررات دست و پاگیر و منع رویه‌های رقابتی در

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

سیاست‌های کلی و سایر قوانین مورد تأکید قرار گرفته است. کاهش مخارج عمومی دولت و اولویت‌بندی آن در قالب هدفمندی یارانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین بر اساس گزاره‌ها و مراتب فوق نمایان است که نظام جمهوری اسلامی بیشتر سیاست‌های توسعه‌ای نئولیبرالیسم را پذیرفته و در عمل هم در دستور کار قرار داده است و آنها را اجرا نموده است.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ ابراهیمی نژاد، مهدی (۱۳۸۹)، سازمان‌های مالی و پولی بین‌المللی، انتشارات سمت، ، چاپ هفتم، تهران.

ـ جوشن لوی، حسن؛ خانیها، نسرین (۱۳۹۱)، نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر توسعه‌ی اقتصادی در نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی جغرافیا، شماره ی ۲۳.

ـ شهبازی، پیمان (۱۳۸۹)، موانع قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در نیل به اهداف اقتصادی، مجله ی گفتمان حقوق، شماره‌ی سوم و چهارم، فروردین و اردیبهشت.

ـ طبیبی توکل، حسن (۱۳۹۰)، مجموعه قوانین و مقررات برنامه‌های پنج‌ساله‌ی اول تا پنجم، انتشارات فردوسی، چاپ اول، تهران.

ـ عبدالله‌زاده، محمود (۱۳۸۶)، گفتمان‌های نئولیبرالیسم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل: نئولیبرالیسم درونی شده، فصلنامه‌ی اقتصاد سیاسی، سال چهارم، شماره ی ۱۴.

ـ نامی، محمدحسن؛ محمدپور، علی (۱۳۸۹)، مفاهیم اساسی در جغرافیای سیاسی، نشر زیتون سبز، چاپ اول، تهران.

ـ هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، برگردان: محمود عبدالله‌زاده، نشر اختران، چاپ اول، تهران.

ـ یوسفی، محمدقلی (۱۳۸۸)، استراتژی‌های رشد و توسعه‌ی اقتصادی، نشر نی، چاپ اول، تهران.

__ Nald Rutherford, routledge dictionary of economics, second edition published, 2002 by routledge.

__ Manfred B; Steger and Ravi K. Roy, Neoliberalism: A very short introduction (oxford university press, first published 2010).

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]